

در جستجوی حافظ صحیح

دکتر سلیم نیساری

از تاریخی که برای نخستین بار یک طرح اصولی برای دستیابی به گفتار صحیح حافظ عنوان شد، شصت سال می‌گذرد و فضل تقدم ارایه‌ی این طرح از آن علامه محمد قزوینی است. عبارتی که در این باب در مقدمه‌ی دیوان به قلم علامه قزوینی نگاشته شده، چنین است:

« باید ... چند نسخه که از همه‌ی نسخ دیگر نزدیک‌تر به عصر مؤلف باشد، به دست آورد و سپس از روی همان نسخ منحصرأ و بدون هیچ التفاتی به نسخ متأخره اعصار بعد طبعی مکمل و مصحح با نهایت دقت به عمل آورد ... »

در مورد کافی نبودن استفاده از یک نسخه‌ی واحد، علامه قزوینی چنین نظر می‌دهد:

« از ملاحظه این چند فقره اغلاط فاحشه‌ی اصل نسخه‌ی خطی ... واضح می‌شود که این نسخه را با وجود این که یکی از بهترین نسخ موجوده‌ی دیوان حافظ است. معذک نمی‌توان آن را به تنهایی اساس هیچ طبع مصحح متفنی قرار داد و نه این نسخه را به خصوصه ... بلکه هیچ نسخه را ... با اطمینان قلب نمی‌توان تنها و به انفراد اساس یک طبع مصحح مضبوط ... قرار داد. بلکه باید همیشه برای این کار چندین نسخه‌ی معتبر قدیمی را با هم توأم کرد تا به

استعانت مجموع آن‌ها با اکثریت آن‌ها شاید بتوان نسخه نسبتاً مصححی از دیوان خواجه از آب در آورد . . .»

با آن که در مقدمه‌ی علامه قزوینی تعدادی از قدیم‌ترین نسخه‌های خطی دیوان حافظ معرفی شده است، که هشت ردیف اول آن مربوط به قرن نهم است، ولی به علت دشواری دسترسی به این نسخه‌ها، عملاً از هیجده نسخه‌ی خطی که برای تصحیح دیوان در اختیار علامه قزوینی قرار گرفت، نسخه‌ی تاریخ‌دار متعلق به قرن نهم منحصر بود به نسخه‌ی خطی خلخالی. دوازده نسخه تاریخ‌کتابت نداشت و پنج نسخه‌ی دیگر به ترتیب مرتبط بود به تاریخ‌های ۱۰۴۷، ۱۱۱۲، ۱۲۳۶، ۱۲۳۸ و ۱۲۵۱ قمری. اگر علامه قزوینی امروز در قید حیات بود و با استفاده از تسهیلات و امکانات امروز به تصحیح دیوان حافظ مبادرت می‌ورزید، قطعاً همه‌ی منابع خود را از میان نسخه‌های شناخته شده‌ی سده‌ی نهم بر می‌گزید و در نتیجه آنچه تدوین می‌شد با آن دیوانی که در شرایط و امکانات شصت سال پیش فراهم آمد، فرق‌های زیادی نمایان می‌ساخت.

در این گفتار منظور اصلی بنده یادآوری دو مطلب است:

۱- رعایت احتیاط‌های لازم در موارد استفاده از متون چاپی.

۲- صیانت ذهن از استغراق در قلمرو انس و عادت.

درباره‌ی مطلب اول، یعنی موضوع استفاده از متون چاپی به ذکر یک مثال اکتفا

می‌کنم:

کسی که از در تقوا قدم برون نهاد به عزم می‌کند اکنون سر سفر دارد
مدون یا ناشری که می‌خواهد، دیوان حافظ را بر اساس تصحیح قزوینی - غنی منتشر
کند این بیت را در قالب زیر می‌آورد:

کسی که از ره تقوی قدم برون نهاد به عزم می‌کند اکنون ره سفر دارد
حتی ممکن است مدون با توجه به تکرار کلمه‌ی «ره» در هر دو مصرع آن را از جمله
موارد هنر «تکرار» قلمداد کند و از این استنساخ احساس رضایت بنماید. ولی وقتی ضبط
این بیت با محکی مانند دفتر دیگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ سنجیده می‌شود، معلوم

می‌گردد که در مصرع اول، کلمه‌ی «در» به جای «ره» ضبط اکثریت نسخ و همچنین ضبط اقدم و اهم نسخه‌هاست. کلمه‌ی «ره» در مصرع دوم، نه تنها مبین هنر «تکرار» نیست، بلکه حاصل یک اشتباه است. توضیح این که در همه‌ی نسخه‌های خطی مورد بررسی سده‌ی نهم و از جمله همین نسخه‌ی مورخ ۸۷۲ (نسخه‌ی اساس چاپ قزوینی) در مصرع دوم «سر سفر دارد» درج شده و عبارت «ره سفر» یک اشتباه رونویسی است که در جریان استنساخ متن برای چاپ قزوینی رخ داده است. ده‌ها مورد از این قبیل اشتباه‌ها و همچنین تعداد زیادی ضبط نارسا در چاپ علامه قزوینی وجود دارد که اشاره به آن‌ها خارج از مجال این گفتار است.

مطلب دوم، تصریح این نکته است که شدیدترین عامل بازدارنده‌ی پیشروی در جستجوی حافظ صحیح، مسأله‌ی استغراق در انس و عادت است. تعصب ورزیدن و تحجر ذهن در برابر آنچه مطبوع انس و عادت است، سدی است در برابر پویایی فکر و اندیشه و پذیرفتن ارزش تفحص و تحقیق که لازمه‌ی رشد و شکوفایی و پیشرفت است.

نخستین و ضروری‌ترین خصوصیت هر پژوهش‌گری که می‌خواهد در زمینه‌ی تصحیح و تدوین دیوان حافظ اهتمام ورزد، این است که بتواند ذهن خود را از نفوذ پیش‌داوری و تعصب رها کند و در ترجیح‌جانی بر جانب دیگر در برابر اختلاف کلمات و عبارات ضمن استناد به ضبط نسخه‌های خطی که شرط لازم و واجب در تدوین اشعار حافظ است، سه معیار و ملاک‌گزینش متن را در مد نظر قرار دهد. این سه ملاک عبارت‌اند از:

- ۱- توجه به ضبط اکثریت نسخ سده نهم.
- ۲- توجه به ضبط اقدم و اهم نسخ.
- ۳- رعایت روش علمی نقد ادبی با توجه به سنخ اندیشه و سبک بیان حافظ.

گفتار خود را با ذکر یک مثال از موارد تلقین انس و عادت به پایان می‌رسانم. کسانی که اشعار حافظ را در متن چاپ قزوینی خوانده‌اند، با این مطلع آشنایی دارند:

بود آیا که در می‌کده‌ها بگشایند
گره از کار فروبسته ما بگشایند

این غزل در نسخه خطی ۸۲۷ (نسخه‌ی اساس چاپ قزوینی) دو بار کتابت شده (در ردیف ۱۳۷ و ردیف ۱۹۱)، اما در ردیف ۱۹۱ مطلع غزل چنین است:

باشد ای دل که در می‌کده‌ها بگشایند
گره از کار فرو بسته ما بگشایند

غیر از تفاوت مطلع یک فرق دیگر در این دو ضبط وجود دارد و آن فرق این است که دو بیت زیر:

نامه‌ی تعزیت دختر رز بنویسید تا حریفان همه خون از مژه‌ها بگشایند
گیسوی چنگ بیرید به مرگ می ناب تا همه مغیجگان زلف دو تا بگشایند

در ردیف ۱۹۱ به همین ترتیب است ولی در ضبط ردیف ۱۳۷ مصرع دوم این دو بیت جابه‌جا کتابت شده است. از آنجا که در چاپ *خلخال* همان ضبط نخستین (ردیف ۱۳۷) نقل شده است، در چاپ علامه قزوینی نیز به همین قرار عمل شده و ظاهراً علامه قزوینی به ترتیب صحیح درج مصرع‌های دوم دو بیت ۴ و ۵ این غزل در ضبط ردیف ۱۹۱ توجهی نکرده و همین قدر یک خط عمودی روی همه‌ی ابیات این غزل کشیده و در حاشیه نوشته است، «مکرر است».

نه تنها افراد عادی بلکه اکثر حافظ‌پژوهان نیز بر اثر تلقین و انس و عادت مطلع «بود آیا...» را برای این غزل به رسمیت می‌شناسند، ولی این پرسش را اینجانب جای دیگر نیز مطرح کرده‌ام که اگر علامه قزوینی ولو به خاطر درج صحیح ابیات ۴ و ۵، ضبط ردیف ۱۹۱ را در دیوان مصحح خود می‌پذیرفت. در حال حاضر وضع تشخیص این غزل به نحوی دیگر در می‌آمد و همه‌ی خوانندگان شعر حافظ در این مدت شصت سال در چاپ قزوینی با مطلع «باشد ای دل...» آشنا و مأنوس می‌شدند و اگر کسی این غزل را با مطلع «بود آیا...» می‌خواند، ذهن شنونده آن را غریب و نامأنوس احساس می‌کرد.

توضیحاً علاوه می‌شود که قرائت «باشد ای دل...» ضبط ۲۸ نسخه (اکثر نسخ و اقدم نسخ) است و قرائت «بود آیاد...» در ۹ نسخه نوشته شده است که قدیم‌ترین آن‌ها همین ضبط ردیف ۱۳۷ نسخه‌ی خطی ۸۲۷ است. ضمناً پیام این غزل با توجه به مفهوم «دل قوی دار...» در بیت دوم با عبارت «باشد ای دل...» که مبین اعتماد و اطمینان درباره‌ی یک امر محقق‌الوقوع است، سازگارتر است.